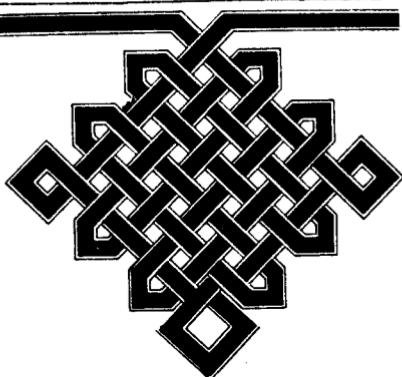
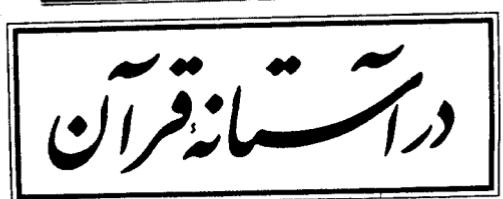
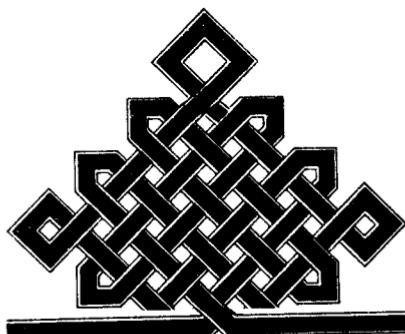


رژی بلاشر  
استاد دانشگاه سوربن



ترجمه:  
دکتر محمود رامساد

## «بسمه تعالی»

دنیای غرب باجهان اسلام رابطه‌ای دیرین دارد. این رابطه در طول تاریخ فرازونشیب بسیار دیده است. گاه مبتنی بر مشاجره و منازعه بوده، وقتی به مشاجرات قلمی کشیده، زمانی هم جنگهای خونین و درازی در پیش داشته تا کم کم کاری به تسامح و تساهل انجامیده است<sup>۱</sup>. نتیجه آن امروز شناخت بیشتر یکدیگر است. روزگاری که غرب تنها از نظر ردّ اسلام به کتاب خدامی نگریست سپری شده، دورانی هم که دیدگری منتجه سیاست استعماری و امپریالیستی باشد باید سپری می‌گردید. حالا سالهائی رسیده که برای فهم و درک درست اسلام باید سعی و تلاش بیشتری شود. پس از این قرنها مشاجره و بحث و جدل، زمان آن رسیده که بررسی اسلام باید بیشتر بارویه علمی سازگار باشد تا جانبداریهای عقیدتی و یا سیاسی. اندک اندک این اعتقاد روی به پیشرفت نهاده.

یکی از زمینه‌هایی که مستشرقان از دیرباز در آن کار کرده‌اند، شناخت قرآن مجید و علوم قرآنی است. در این زمینه البته باید سهم دانشمندان خاورشناس را در معرفی قرآن به مردم مغرب زمین و شناساندن آن به دنیای دیگر افزاید برد. ولی در این نوع از کتب نیز، چنانکه در متنه خواهد دید، این فراز و نشیب خیلی بیشتر وجود داشته و خوشبختانه امروز به دوره

متعادلتری رسیده است . درنتیجه امروز دراین باره چند کتاب خوب وجود دارد . برگرداندن این نوع کتب به زبانهای اسلامی ، حداقل این فایده را دارد که از دید غربی نسبت به کتاب مقدس آسمانی خود وازنحوه برخوردار آنها و استدلال واستنتاج ایشان آگاه می شویم و چه بسا که این آگاهی به نوبه خود در روش علمی مانیز مفید افتاد .

امروز جوانان بسیاری درخارج از کشور با علوم تازه آشنائی می یابند و بعد از سالهای دوری به شهر و دیار خود بازمی گردند . اینها چه بسا که از راه غرب دیدی و برخورده تازه یافته باشند . آشنائی با دید غربی ، مارابه این دسته از جوانان نیز نزدیکتر خواهد ساخت .

در میان این گروه بزرگ غربیها ، رژی بلاشر مستشرق فرانسوی جای برجسته‌ای دارد . او با ترجمه خوبی از قرآن مجید ، سهمی درخور توجه یافته است .

رژی بلاشر RÉgis Blachère (۲) در سال ۹۰۰، آغاز قرن بیستم میلادی بدنیا آمد و بعد از ظهر هفتم اوت ۱۹۷۳ زندگی خود را به آرامی پشت سر گذاشت . او تا آخرین لحظه حیات در میان همکاران و دوستانش به کار اشتغال داشت . اورخانواده کوچک متوسطی بدنیا آمده بود . پانزده ساله بود که با پدر و مادرش روانه مراکش شد . در آن وقت داوطلب مترجمی شد . اما این کار را مطابق سلیقه خود نیافت . این بود که در مدرسه مولای یوسف ، رباط به تحصیلات عالی ترسی ادامه داد . در ۱۹۲۴ لیسانس گرفت . در ۱۹۲۶ روانه الجزیره شد و دریاگشت به رباط ، در همان مدرسه مولای یوسف به کارتدریس اشتغال ورزید .

در ۱۹۹۲ بود که مؤسسه مطالعات عالی مراکش تأسیس شد و اوتا ۱۹۳۵ مدیریت آنچا را به عهده داشت. در این تاریخ، ارساله دکترایش را در مرحله اول درباره ابوالطیب متبنی شاعر سوری متوفی ۹۶۵/۳۰۴ که اشعار شعرای اسلامی شمرده شده، و در مرحله دوم ترجمه طبقات الامم سعیداندلسی قرن چهارم/ یازدهم را در دانشگاه سورین پاریس گذراند. او بعد پروفیسور «مدرسه ملی زبانهای شرقی» پاریس شد که تا ۱۹۵۱ بدان کار ادامه داد.

از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵ مدیر «مؤسسه مطالعات اسلامی آکادمی پاریس» و غضو آکادمی های قاهره و دمشق بود. در ۱۹۷۲ به عضویت «انستیتو دوفرانس» انتخاب شد.

مقالات او در دائرة المعارف اسلام (چاپ اول) حاکی از اطلاعات وسیع او است از جمله درباره: عباس بن احنف، ابو صخره ذلی، اخطل، عمرو بن کثیر، عنتبه، ذوالرمۃ، بشار بن برد، فرزدق وغیره. در انسیکلوپدی بزرگ فرانسه نیز درباره ابو نواس و شووقی و معربی وغیره.. مقالات متعددی داشت.

اما کار اساسی او «تاریخ ادبیات عرب از آغاز تا پایان قرن ۱۵» است که از کارهای شناخته شده جهانی در این زمینه است.

در زمینه اسلام شناسی نیز کتاب «مسئله محمد (ص)» در ۱۹۵۲ به عنوان کتابی پر مایه و تأثیرگذاری بی طرف شناخته شد. کار معروف دیگر او ترجمه قرآن است که نهایت تلاش را به کاربرده تادرس حد اعتقد و در کمال فصاحت باشد، و شاید هم تاحدی در این تلاش موفق بوده، چنانکه ترجمه او یکی از بهترین ترجمه های قرآن به زبانهای اروپائی شناخته شده

است. این کار او مقدمه‌ای داشت که بعد به صورت کتاب موجود درآمد.

بلاشرهمچنان که در زمینه اسلام‌شناسی از سرشناسان جهان غرب است، در قلمرو زبان و ادبیات عرب نیز از برجستگان شمرده می‌شود و همین مقدمه به خوبی نشان دهنده آن است که تا چه حد حتی به لهجه‌های بدوي و مکی و مدنی تسلط کامل داشت.

در سال ۱۹۴۵ که نخستین بار ترجمه بلاشر از قرآن منتشرشد، آن کار مقدمه‌ای داشت که سخت مورد توجه علاقه‌مندان قرار گرفت. این اثر روشنترین نمودار انتقاد منابع و مباحث تاریخی و لغوی و ادبی شناخته شد. بخصوص در باره تدوین و ثبت قراءات کنونی مورد توجه قرار گرفت. لذانویستنده ترجیح داد که آن مقدمه را با تجدید نظرهای اساسی جداگانه به طور مستقل چاپ کند. این تجدید نظرها به عمل آمد و در سپتامبر ۱۹۵۸ در پاریس به چاپ رسید. در این چاپ جدید، درسیاری از موارد، از جمله در فصل ترجمة قرآن به زبانهای اروپائی که برای اروپائیان بسیار جالب توجه است تجدید نظر اساسی کرد و برای سهولت مراجعه فهرستهای لازم را بدان افزود. البته درباره قرآن مجید آثار زیادی به زبان فرانسه وجود داشت، چه آثار عوامانه و چه مطالعات عالی‌تخصصی. ولی به واقع، این آثار، کنجدکاوی یک پژوهشگر و خواستار را توجیه وارضاء نمی‌کرد. بلاشر توانست با انتشار این اثر، تاریخی زنده از قرآن مجید را در اختیار خوانندۀ غیر متخصص فرانسوی بگذارد. در این اثربیشتر او بر کار معروف نلد که در «تاریخ قرآن» تکیه داشت که بعدها توسط شوالی، برجشتر اسر و پرتزل توسعه یافت. او در این اثربیه مباحث لغوی، تاریخی، تنظیم دو باره آیات بر حسب نزول، مکی و مدنی بودن آیات تکیه زیادی کرده و بسیاری از نکات

بهم را برای خواننده فرانسوی زبان روشن کرده است. رویه مرفت، بلاش در این اثر خود موفق بوده است. او تا حدی که اطلاعاتش اجازه می‌داده و منابع در اختیار او کفايت می‌کرده، در راه کمال کار خود کوشش کرده و تا جائی که می‌توانسته کوشیده تابی طرفی خود را حفظ کند. نمونه‌ای از آن بحثی است که در باره تعریف قرآن دارد و بهیچوجه تندریجه کتاب ویل و کازانواوحتی گلدزیهر ونلد که در آن دیده نمی‌شود. درنتیجه کتاب اouxالی از حملات تند و بی‌رویه‌ای است که در جامعه استشراف بود.

این نکته را هم نباید ناگفته گذاشت که با وجود تلاش برای بی‌طرفی، اوازن نظر فرق اسلامی بهشدت تحت تأثیر مخالفان شیعه است که جایجا تذکرداه شده است. البته اول بار اروپائیان از راه دنیا تسنن بود که با تشیع آشنا شدند و در گیریهای بعدی آنها نیز بیشتر با جمیعت سنی مذهب بود. اکثریت مسلمانها را اهل تسنن تشکیل می‌دادند و مصالح عملی دولتهای غربی نیز چنان ایجاب می‌کرد. این است که اروپائیان در همه جهات باست آشنا شدند و از اصول اعتقادات شیعه به کلی جدا نمی‌دانند. این عدم آگاهی کامل، موجب درک غلط تشیع و گمراهی‌های فراوان گشته است. بلاش راهم جایجا می‌بینیم که از همهم عظیم شیعه در اسلام نی خبر و ناآگاه مانده است. فراموش نکنیم هر چند او یکی از استادان بنام جهان غرب باشد و سعی در رعایت بی‌طرفی هم کرده باشد، بهر حال فردی است غیر مسلمان و از کنه و حقیقت بسیاری از مطالب به دور. به همین دلیل به ناچار هر جا لازم بوده نظرش توضیح و تصحیح گردیده است. با وجود اینها، نمی‌توان کتمان کرد که سالها کار واستمرار مطالعه در این زمینه، بد و چنان تبحیری بخشیده که اثرش امروز برای یک خواننده شرقی نیز خالی از قایده نیست. از یک طرف مسائلی مطرح می‌شود که حاوی اطلاعات بسیار

جالب توجهی است و از طرف دیگر، روش کاریک غربی در علوم اسلامی، نحوه طرح مسائل، نوع مواجهه با مطالب، طرز مراجعته به مدارک وبالاخره نتیجه گیری واستنباطات شخصی، همه اینها که به نحوی ارزی در کار بلاشر منعکس است، می‌تواند برای یک شرقی درخور توجه خاص قرار گیرد.

درچاپ این نسخه چند نکته است که باید مورد توجه قرارداد:

درمتن کتاب شماره سوره‌ها و آیه‌ها دوباریدست داده شده است. شماره اولی هرسوره، شماره ترتیب نزول سوره است بر حسب نظر بلاشرو شماره دوم شماره سوره است بر حسب مصحف عثمانی. در مورد آیات نیز شماره اول با چاپ فلوگل تطبیق می‌کند و شماره دوم منطبق با شماره آیات در قرآن‌های چاپ قاهره است. یکی از مشکلات کار بلاشر، مثل همه مستشرقان ضبط اعلام عربی به خط لاتین بود. متاسفانه او الفبائی را که درمتن کتاب انتخاب کرده یک دست به کار نبرده و گاهی برای یک حرف علامات مختلفی به کار برده است. البته این امر گاهی تشخیص درست را مشکل می‌کرد بخصوص که کتاب خالی از اغلاط مطبعی نیز نبود.

اما در برای ترجمه کتاب:

ترجمه کتاب برمی‌گردد به سالها پیش. زوئیه ۱۹۶۶، از قضای روزگار تعطیلی مناسبی پیش آورد که در «خانه بین‌المللی شهر دانشگاهی پاریس» به کمک یکی از دوستان، آقای عباسی به کارتترجمه این کتاب مشغول شود. این کار بیست و هشت روز ادامه یافت یعنی تا پنجشنبه ششم مرداد ۱۳۴۵. امید این بود که آن یادداشت‌ها هرچه زودتر تنظیم و تکمیل و منتشر شود. اما روزگارچنان نگذشت.

امروز که باز فراغتی رخداده، از پس سالها مشتی ورق پاره بجادارد که هر یک ترجمه‌ای یا تأثیفی و یا تاریخی است که می‌توانسته تکمیل شود

وانتشاریابد. در میان آن اوراق، این یادداشتها جاذبه و مناسبت بیشتری یافت. بخصوص که مدت‌هast موافق با پیشنهاد تجدید چاپ «تاریخ قرآن» خود می‌باشد و آنرا محتاج بسط و تجدید نظری اساسی می‌داند. این بود که تصمیم به آماده کردن این یادداشتها گرفته شد. اما صد افسوس که یادداشت‌هارهم و پاره‌ای هم ازین رفته بود. ناچار دوباره دست به کارشد. هرچه مانده بود با اصل تطبیق و اصلاح شد و هرچه هم کم بود و یا گم بود دوباره تهیه شد. هرجا هم که لازم بود یادداشت و تعلیقه‌ای بر آن افزوده گشته، منابع کارذکر شد و مراجع تازه‌تری داده شد. هر لغزشی که به نظر رسید تصحیح شد و هر جوابی که در خور بود داده شد. درنتیجه یادداشت‌ها حجمی زیاد یافت. به حال، فراموش نکنیم که کتاب تا اندازه‌ای تخصصی است و بدون آشنائی قبلی با اصطلاحات این علم، درکش بعضی از اوقات مشکل می‌گردد.

در مورد سبک نوشنی نیز باید اضافه کرد: بانهايت تلاشی که در ساده نوشنی به کار رفت، چون زبان نویسنده سنگین و مطلب نیزگاهی در نهایت ایجاز بازتری فنی بیان شده، فهمش مشکل گردیده است. جملات در اصل خیلی فشرده و طولانی بوده، اما در ترجمه هرجا که ممکن شد، هر جمله‌ای به چند جمله تقسیم شد و هرجا هم که نشد به ناچار جمله‌بندی به همان شکل اصلی، طولانی و فشرده باقی ماند.

ضمナهمه جابه احترام نام پیامبر اکرم، حرف(ص) پس از نام شریفتش اضافه شد که علامت (صلی الله علیه وآلہ وسلم) باشد. نام کتابها نیز در مراجع ترجمه شد تا مناسبت موضوع حتی المقدور روشن شود. والا آنها که بخواهند به اصل مراجعه کنند، از فهرست آخر کتاب، نام و تمام

مشخصات کتاب را می‌توانند بیابند.

#### پادداشت

- ۱- تفصیل مطلب را ملاحظه کنید بهمراه «اسلام از دریجه چشم سیحیان» مجتبی مینوی و «مستشرقین واسلام» سید غلامرضا سعیدی درخاتم پیامبران ۱۶۹:۲ و ۲۶۳:۲ بعد مجله سنبرالاسلام شماره ۵۰، سال ۱۹۷۲، ۳ ص ۱۲۲ و ۱۰۸، ۱۹۷۲، ۳ ص ۱۲۲ و ش ۹ ص ۸۲. تاریخ التراث العربی فوادسرگین ۱: ط. خاورشناسان انگلیسی زبان دکتر طبایاوی ترجمه خلیلیان، تهران ۱۳۴۹.
- ۲- المبشرون والمستشرقون فی موقفهم من الاسلام دکتر محمدالبھی، قاهره. خاورشناسی دروسیه واروپا ازیار تولد ترجمة حمزه سردادور چاپ تهران ابن سینا ۱۳۵۱. مصادرا للدراسة العربية يوسف اسعد داغر ج ۲ ص ۷۸۰، ۱۹۵۶. تحقیق عفاید و علوم شیعی دکتر عبدالجواد فلاطوری دریادنامه علامه اینی ۴۳۱:۱. و خاورشناسان انگلیسی آقای ابوالقاسم طاهری.
- ۳- خلاصه ازیقائۀ آقای داوید کهن در روزنامه آسیانی سال ۱۹۷۴ ش ۱۹۶ ص ۱-۱۰ پاریس.